

راه مقدّس: اندیشه‌های مهدی

«حفظ نظام اسلامی در کلام امام خمینی (ره)»

محمد مهدی مقدم

شماره کتابشناسی می ۴۰۵۱۰

۱۰۰۰ جلد | شمارگان

ارتباط مستقیم با مؤلف: Rahemoghaddas@chmail.ir

فهرست

- ۱۳ - حفظ نظام اوجب واجبات است
- ۱۷ - نابودی ما، آری؛ نابودی نظام اسلامی؛ هرگز
- ۲۱ - بیعت با نظام اسلامی، عهدی الهی
- ۲۵ - حفظ معنویت
- ۳۹ - حفظ روحیه شهادت طلبی، انقلابی، عزتمندی و ظلم ستیزی
- ۴۷ - حفظ بصیرت
- ۵۳ - حفظ روحیه مبارزه با نفاق و منافق
- ۶۵ - حفظ ولایت فقیه
- ۷۵ - حفظ عدالت و ساده زیستی و پرهیز از مصرف گرایی، انحصار طلبی و استیلا
- ۸۹ - حفظ وحدت و همدلی، و پرهیز از تفرقه و اختلاف و جناح بندی
- ۱۰۱ - حفظ مرز و انجام روشنگری
- ۱۱۱ - حفظ فضای نقد منصفانه و عدم تخریب و جلوگیری از ایجاد ناآرامی و تشنج
- ۱۲۷ - حفظ قانون و توجه و پایبندی به آن
- ۱۴۵ - حفظ همیشگی همت و کار مضاعف در راستای تحقق فرهنگ و اقتصاد مقاومتی
- ۱۵۷ - اسلام و نظام اسلامی؛ امانتی الهی برای فتح سنگرهای کلیدی جهان

ما به بروی از انبیای عظام - سلام الله علیهم - از صفر شروع کردیم. انبیا - علیهم السلام - برای دعوت و قیام بر ضد طاغوت از صفر شروع می کردند، و دعوتهای بزرگ آنها را واحد واحد شروع می شد تا گروه گروه جمع می شدند. آن روزی که ما دعوت محمد (ص) را شروع کردیم صفر بودیم. گروههای مسلمین و اقشار ملت ما در امتداد علیهم به دند و جرأت نفس کشیدن نداشتند. ما از صفر شروع کردیم و به دست اسلامی مردم را خواندیم، و این قطره واحد قطره ها شد و قطره ها سیل و سیل دریا. این برای بزرگ با قدرت ایمان، تمام قدرتهایی که بر ضد اسلام و بر ضد انقلاب بودند در هم شکست. دعوت اسلامی ما به آنجا رسید که تمام اقشار ملت لیبیک گفتند: انبیا، بازاری، دهقان، کارگر، نظامی، ارتشی، به ما پیوستند. چون دعوت دعوت بهی بود، دعوت برای خدا بود، قیام قیام اسلامی بود، مردم به اسلام علاقه داشتند و کردند، آنجا رسید که الآن در همین محضر، گروههای مختلف از بلاد مختلف، برادران، با هم مجمع و همه پشتیبانی خودشان را از نهضت اسلامی و از جمهوری اسلامی اعلام می دارند. ملت ما در تمام اقشاری که دارد از مرکز تا آخرین نقطه مرزها یکدل و یک - همت از پیروزی اسلام خوشحال و پشتیبانی خودشان را اعلام می کنند. و ما با پشتیبانی ملت بزرگ اسلام به پیش می رویم؛ و دست جنایتکاران را قطع کردیم و ریشه های کشیدیم آنها را قطع خواهیم کرد. این قدرت اسلام است، این قدرت ایمان ملت است، این داری ملت است که در سایه قرآن کریم و تعلیمات اسلام بپاخاسته است. مستضعفین بپاخاستند و مقابل مستکبرین ایستادند؛ چنانچه در طول تاریخ انبیا با مستضعفین بپاخاستند، و با مستکبرین مبارزه کردند و آنها را شکست دادند. ملت مستضعف ما، به تبعیت از تعلیمات اسلام و قرآن کریم، دعوت اسلامی را لیبیک گفت و هر چه رنج و زحمت دید مصمتر شد، و هر چه شهید داد مصمتر شد. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۴۱ و ۲۴۰)

حرکت و تلاش برای رسیدن به عزت دینی و اعتلای انسانی و رهایی از ستم حکام مستبد و سلطه‌گران غارتگر و به عبارتی اسلام‌خواهی و آزادی‌جویی و استقلال‌طلبی، اهدافی بودند که ملت مسلمان ایران در بیش از یک قرن بدان قیام نمود و اهتمام ورزید و در نهایت، این مقاومت آگاهانه و دین‌مدارانه مردم ایران به رهبری امام خمینی (س)، به انقلاب اسلامی متصل شد و سپس شاهد شیرین نظام جمهوری اسلامی را که به خواست و مشیت الهی نویدبخش برقراری حکومت مقدس عدل امام عصر (عج) است، ثمر داد.

بی‌گمان انقلاب اسلامی ایران را می‌توان پدیده‌ای منحصر به فرد در میان تمامی تحولات سیاسی قرن بیستم دانست. انقلابی که در روز نخست، جز رهبر و مقتدای آن، کمتر کسی را به پیروزی و توفیق رساند. بود و آن روز نیز که به پیروزی رسید، بدخواهان و دشمنان، امید فراوان داشتند که چندان دوام نیاورد. تعبیر نظریه پردازان غربی، انقلاب زیر بار خودش بشکند. علاوه بر این، کم نبودند کسانی که معتقد بودند عصر انقلاب‌های مستقل به سر آمده و هیچ انقلابی بدون وابستگی به کسی، ارکان قدرت جهانی نمی‌تواند دوام بیاورد و بر جای بماند. انقلاب اسلامی ایران به تمامی این بادِ طلاح قواعد علمی پشت پا زد تا باری دیگر نشان داده باشد رفتار مؤمن انقلابی در هیچ کدام از چارچوب‌های مد نظر اهل تحلیل‌های تحمیلی! نمی‌گنجد.

امام خمینی (س) خود در این خصوص اشاره ای به یکی از مقابله قدرت‌های بزرگ، می‌فرماید: قضیه، قضیه محمد رضا تنها نبود... نه، قضیه آمریکا بود، شوروی بود، انگلستان بود. قضیه اینها هم نبود. قضیه همه ممالک و دولتهایی [بود] که یک روابطی با اینجا داشتند. همه دولتها مخالفت می‌کردند، منتها بعضیها بصراحت، مثلاً می‌کردند و بعضیها هم به کنایه. در عین حال که شما یک طرف بودید، همه قدرتها یک طرفه بودند. به حساب حسابهایی که این حسابگرها می‌کنند، ما پیروز بشویم، نباید این سد را ما بشکنیم. در اینگونه ما چه دستمان بود؟! آنها تا دندان مسلح بودند. همه چیز داشتند و شما با دست خالی، یک کتاب پر از ایمان، قلبهای نورانی پر از ایمان و فریادهای الله اکبر، ... یک ملت سر تا [سر] ... خدا، الله اکبر و مرگ بر شاه. این سیل خروشان خراب کرد همه سدهایی که در مقابل بسته بودند. و الآن شما پیروز هستید... شما همانی را که می‌خواستید دستتان آمد. این فریادها چه بود؟! این بود: "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، الآن دست شماست. (ج ۱۰، ص: ۴۶۶)، و دیدید که چیزی که ملت خواست متحقق می‌شود. ملت ما خواست که نظام جائر سلطنتی نباشد و به جای او یک نظام انسانی - اسلامی باشد. این را خواست و این شد. البته نمی‌گویم که الآن ما یک نظام اسلامی تمام عیار داریم. لکن این را می‌گویم که آن نظام جائر که همه چیز ما را به دیگران فروخت و از بین برد، آن رفت از بین. و دست آن ابرقدرتها کوتاه شد از مملکت (ج ۱۳، ص: ۵۳۵)

همچنین، ایشان با تأکید بر وابسته نبودن انقلاب اسلامی به قدرت و گروه خاصی، به تحلیل ناپذیری و ثبات مسیر انقلاب اسلامی که برخاسته از مسیر انبیاست اشاره کرده و می‌فرمایند:

در ایران چنانچه بینندگان خارج و داخل توجه کنند، ایران یک کاری انجام داد که در تاریخ نظیر ندارد. تمام انقلاباتی که واقع شده است یک وابستگی به شرق و غرب داشته است و تمام انقلاباتی که واقع شده است در بین راه مشکلات بسیار بزرگ داشته اند و دارند، لکن انقلاب ایران، انقلاب غیر وابسته است؛ یک انقلاب دولتی نیست، یک انقلاب ارتشی نیست، یک انقلاب حزبی نیست، یک انقلاب ملی است، لکن بر اساس اسلام، انقلاب، اسلامی است، نظیر انقلاباتی که در طول تاریخ به دست انبیا انجام می گرفت که وابستگی در کار نبود، الا یک وابستگی و آن وابستگی به مبدأ وحی و وابستگی به خدای تبارک و تعالی.

ایران همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می شد، و میر انبیا بوده، مسیر، مسیر راه مستقیم نه شرقی و نه غربی بود و جمهوری اسلامی بود و تا کنون هم ملت ما به همان مسیر باقی است و هر چه امروز ناگوار، بلکه هر چه چیزها که تلخ است در ذایقه ها واقع می شود، این مسیر اسلامی محفوظ است و ملت را جلو می رود و قدرتمندتر به جلو می رود، و هر وقت احتمال این داده می شود که در بین ملت یک ضعف و فتوری حاصل شده باشد خدای تبارک و تعالی یک مسئلانی پیش می آورد و یک امری را به خواست خودش ایجاد می کند که ملت را بیدارتر و بهتر و منسجم تر می کند. (ج ۱۵، ص ۱۴۷ و ۱۴۶) آری! شاید بتوان انقلاب اسلامی را مجموع افاداد نامید؛ از این رو، درک آن را برای بیشتر مردم و بویژه بیگانگان از اسلام، دشوار و ناسدنی دانست.

چراکه انقلاب اسلامی میان خردورزی و تبعیذگرایی و میان سنت و مدرنیته و میان حال و گذشته، بلکه آینده است. بنابراین قدم در سنت های گذشته تاریخ تا آدم (ع) دارد و در اندیشه دگرگونی حال برای ساختن جامعه روحانی، آرمانی در آینده به نام جامعه جهانی عدالت محور مهدوی (عج) است.

اهدافی که انقلاب اسلامی از همان آغازین روزهای آن در نظر داشت، اهدافی است که در آموزه های انبیای الهی و به صورتی تکامل یافته در قرآن و سیره انبیا (ص)، به عنوان اهداف دین اسلام مطرح شده است، تنها ویژگی انقلاب اسلام، اجرای کردن مفاهیم و اجرای آن در دوره معاصر و عصر غیبت امام زمان (عج) است. در شکل ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی، نظریه پردازی شد.

شاید بهترین راه برای فهم پدیده انقلاب اسلامی و ماهیت دائماً نو شونده آن این است که به شخصیت بنیانگذار و رهبر آن مراجعه کنیم. امام (ره) همه آن ویژگی هایی را که بوجود آورنده و سازنده حقیقت انقلاب اسلامی است در وجود خود داشت و آن را به پدیده انقلاب منتقل نمود، به گونه ای که می توان گفت: انقلاب اسلامی مدل اجتماعی و نهادین شده شخصیت و پیش انبیائی امام (ره) است.

شخصیت سترگ و انسان بزرگی که همانند او را در تاریخ انسانیت، به جز معدودی از انسان‌ها، نمی‌توان یافت؛ راهش راه انبیایی و پیامش پیام‌آوران الهی بود. او که در وادی سلوک، سالک بود و در حوزه عشق و عرفان، عاشق و عارف، و در میدان جهاد و شهادت، مجاهد و شهید، و در محراب عبادت، عابد، و فقه و فقهات در ذره ذره وجودش ریشه دوانده و شاخ و برگ گسترانیده بود؛ در عصر ما پرچم هدایت برافراشت و انسانیت را در جهان ماده و مادیت به سرچشمه نور و عرفان و توحید دعوت کرد.

آری! امام خمینی شخصیتی است جامع و استثنایی که آوازه نام مبارکش و رستاخیز قیام‌خدايي‌اش اینک مرئوسای جغرافیایی را در نور دیده است و در سراسر گیتی، مرام او، مشعل هدایت کانون‌های خیزش و بیداری اسلامی گردیده و نام و یاد او، حلقه وصل پیروان خاتم رسولان (ص) و موحدان عالم شده است.

او که ندای قدس‌اش حجت را به لرزه درآورد، با قیام الهی خود، آغازگر عصر جدیدی در تاریخ اسلام، بلکه دنیای استعدادهای و به واسطه سیره فکری و عملی‌اش باعث از میان رفتن دیدگاه مرتجعانه‌ای گردید که دشمنان و کور نظران در طول صدها سال، درباره دین مبین اسلام ارائه کرده بودند.

آنهایی که می‌خواستند شرق را غارت کنند، ملت‌های اسلامی را به اسارت بکشند، آنها تبلیغاتی کردند که حتی خود شرقی‌ها هم، آنها را که غافل شدند از اسلام و از مکتب‌های توحیدی، باورشان آمد. آنها بعکس آن چیزی که مکتب‌های توحیدی است، که همه مکتب تحرک بوده‌اند، گفته‌اند دیانت افیون جامعه است! یعنی دین آمده است که مردم را خواب را خواب کند... و این مطلب درست به عکس آن چیزی است که واقع هست.

شما اگر حالت و تاریخ انبیا را ملاحظه کنید و تاریخ اسلام و اسلام را؛ که به ما نزدیک است، ملاحظه کنید، می‌بینید که بعکس آن چیزی که اینها تبلیغ کرده‌اند که دیانت افیون است یعنی دیانت آمده است که مردم را خواب کند و مثل یک افیونی که به خمار فرور می‌رود! و مردم را این طور کند تا اینکه آن سرمایه دارها مردم را بچاپند، بعکس آن، وقتی که تاریخ انسان را ملاحظه کنید می‌بینید که انبیا آمده‌اند مردم را بیدار کنند، این مردم افیونی را هوشیار کنند، این مردم که به خواب رفته بودند اینها را هوشیار کنند... پیغمبر اسلام مردم را بسیج کرد؟ همین مردم را با برهنه‌ها را بسیج کرد بر ضد مشرکین، قتل کرد و جنگ‌ها کرد تا مشرکین را دماغشان را به خاک مالید، و عدالت اجتماعی را ایجاد کرد. (ج ۸، ص ۲۹۱ و ۲۹۲)

آری! اندیشه حیات‌بخش امام، مقوله دین، افیون ملت‌ها را منسوخ کرد و اسلام را در سطح بین‌المللی به عنوان نیاز انسانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مادی و معنوی، مطرح کرد.

بی تردید، اکنون مهم‌ترین دغدغه‌ای که گریبان آمریکا و دیگر سلطه‌گران مزدور عالم را به سختی گرفته است، نفوذ روزافزون پیام و مرام آن احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) در عالم و در حرکت جنبش‌های آزادی‌خواه و ضداستعماری جهان است.

اینک که به فضل الهی، آرمان‌های امام در آستانه تحقق جهانی است، لزوم بازگشت و توجه بیش از پیش همگان، به‌ویژه فعالان سیاسی و احزاب و جناح‌ها به ارزش‌ها و منش‌های اخلاقی و سیاسی امام و گفتمان ایشان بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه بیگمان خط امام معیار سنجش درستی رفتارها و گفتارها، و محک آزمون ادعاها و شعار است و پایبندی عملی به خط و راه آن شاگرد حقیقی مکتب امام صادق (ع) و پیروان و پیشوای بی‌نظیر آزاداندیشان عالم که به حق در تعبیر زیبای رهبر معظم انقلاب مرکز ثقل هویت انقلاب اسلامی می‌باشد، رمز موفقیت‌ها و کارآمدی و استحکام و حفظ نظام اسلامی است و فاصله گرفتن از سبیل الهی و راه انبیا بی آن راهبر بی‌بدیل، موجب ریزش و کاستی‌ها، کجروی‌ها و گمراهی‌هاست.

راه امام روشن است * و مبانی فکری امام در سخنرانی‌ها، نامه‌ها و وصیت‌نامه ایشان مشخص است * تنها دید بر اساس آن، شاخص‌ها را تعیین نمود؛ چراکه اگر شاخص‌ها روشن باشد، می‌توان انحراف را شناسایی کرد و اگر کسی در جهت انحراف کار کند، در توده مردم ساختاری شایع می‌شود و در صورت نبود شاخص، خطر انحراف جدی خواهد شد *. و به راستی چه شاخصی بهتر و دقیق‌تر از احیاگر اسلام ناب و معمار کبیر انقلاب، که بهترین شاخص انقلاب، امام خمینی (س) و خط اوست *. (*: بخش‌هایی از بیانات رهبر معظم اسلام، ۸۹/۳/۱۴)

نظرات و آراء و سیره امام و اصولی که توسط آن معمار بزرگ انقلاب برای مدیریت و راهبری و سیاست‌گذاری نظام اسلامی تبیین شد و الهام‌بخش باززان حقیقت‌جو و آزادمنش گردید، شفاف، نامبهم، به‌روز و تازه است و هیچ‌گاه برای هیچ‌کس به خود نخواهد گرفت تا نیازی به تفسیرهای شخصی و سوگیرانه داشته باشد؛ چراکه او خود مجتهدی جامع الشرایط و آینده‌نگر بود که با استفاده از قرآن و عترت و منابع عظیم و اصیل دینی به تدوین و تبیین استراتژی تحقق و پیشبرد جمهوری فلاحی و بر مبنای اصول اساسی اسلام ناب محمدی (ص) پرداخت.

بی‌شک، امروز عزت و عظمت اسلام و مسلمین در حفظ مبانی اندیشه امام و حفاظت از میراث و یادگار ارزنده‌اش یعنی نظام مقدس جمهوری اسلامی است که این مهم، میسر نمی‌شود مگر با حرکت در خط الهی آن بزرگ بزرگوار.